

کلیدواژه‌ها: برنامه درسی ملی، تحول بنیادین، نقشه راه.

تحقق اهداف متعالی نظام جمهوری اسلامی ایران که زمینه‌ساز حرکت نظام آموزشی به سوی پرورش انسان خلیفه‌الله است. تنها از طریق آموزش و پرورش هدفمند، پویا، فعال و بانشاط امکان‌پذیر خواهد بود. با این دیدگاه، سؤال اساسی این است که: از کجا باید شروع کرد؛ از تغییر در ساختار نظام آموزشی؟ اصلاح برنامه و محتوا؟ بازآموزی نیروی انسانی و مدیریت؟ یا همه این‌ها؟

تعمق در مفهوم تحول بنیادین، مستلزم ترسیم راه روشن و تدوین طرح جامعی مبتنی بر نظام فلسفی تعلیم و تربیت اسلامی است؛ به طوری که همه بخش‌های آموزش و پرورش را در نگاهی جامع و منسجم، متناسب با شتاب و سرعت پیشرفت‌های علمی، فناورانه و تحولات اجتماعی و فرهنگی جامعه مورد ملاحظه قرار دهد. در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش^۱ تحول در شش زیرنظام آموزش و پرورش به عنوان راه چاره مطرح شده است. که عبارت اند از:

۱. برنامه درسی ملی؛
۲. تربیت معلم و تأمین منابع انسانی؛
۳. راهبری و مدیریت؛
۴. تأمین و تخصیص منابع مالی؛
۵. تأمین فضا، تجهیزات و فناوری؛
۶. پژوهش و ارزشیابی.

اکنون برنامه درسی ملی براساس فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی به عنوان اولین و مهم‌ترین سند از مجموعه اسناد تحولی زیرنظام‌های آموزش و پرورش تولید شده است.

نقشه راه

همان‌طور که می‌دانید، برنامه درسی ملی همانند نقشه ساختن یک بنا، طرح اجرای یک پژوهش یا... است؛ طرحی که مشخص می‌کند دانش‌آموزان در مدرسه و سایر محیط‌های یادگیری به چه هدف و

منظوری باید یاد بگیرند، و چه چیزهایی باید یاد بگیرند و در زندگی به کار برند؟ اولویت با کدام صلاحیت‌ها و حوزه‌های یادگیری است؟ به چه میزان، در چه زمانی، کجا و چگونه باید یاد بگیرند، معلمان و مربیان با چه روش‌هایی باید شرایط یادگیری را تسهیل کنند، پیشرفت یاددهی و یادگیری و پیامدهای آن چگونه سنجش و ارزشیابی می‌شود؟ سهم استان‌ها، مناطق آموزشی و مدارس در برنامه‌ریزی چیست؟ برنامه درسی ملی به پرسش‌هایی از این قبیل پاسخ می‌دهد. در یک جمله: طرح یا چارچوب محتوایی کلان یاددهی و یادگیری در مدرسه را معین می‌کند. برنامه درسی ملی از چند عنصر اصلی و مجموعه‌ای از عناصر فرعی تشکیل شده که شناخت آن‌ها برای مخاطبان و مجریان آن یعنی کارشناسان، برنامه‌ریزان درسی و مؤلفان و تولیدکنندگان مواد درسی و تربیتی و در درجه دوم معلمان و مدیران آموزشی، کاملاً ضروری است.

نگاهی به برنامه ملی درسی ملی نقشه راه

سید امیر رون



عناصر برنامه درسی

نخستین عنصر اصلی هدف است. یکی از پرسش‌های اساسی در هر نظام تربیتی، ویژگی‌ها و مختصات خروجی آن نظام است. اینکه نظام آموزش و پرورش ما درصدد دستیابی به کدامین انسان و با چه معیارها و کیفیتی است، پرسش مهمی است که شاید همه تلاش فلسفه تعلیم و تربیت برای ترسیم آن و به منظور تحقق آن صرف می‌شود. توجه به این نکته مهم، اگر به درستی و مطابق الگویی جامع و کارآمد استنباط و تبیین شود، خود جهت‌دهنده و تعیین‌کننده نقاط اساسی فرایند مطلوب آموزش و پرورش خواهد بود.

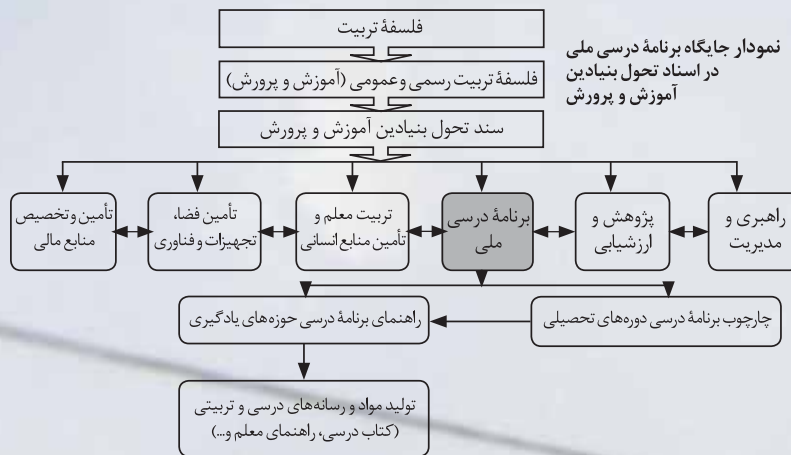
در حال حاضر، سند برنامه درسی ملی با لحاظ مبانی فلسفی و علمی مورد قبول در منظومه‌های معنی‌دار و قابل ارزشیابی، اهداف کلی و دوره‌های تحصیلی را پیش روی مخاطبان و مجریان قرار داده است. دومین عنصر اصلی محتواست. بدون تردید مهم‌ترین بستر و فرصت‌اندیشیدن، ایجاد باور، کسب علم و معرفت، رعایت اخلاق الهی و عمل صالح در دانش‌آموزان را محتوا فراهم می‌کند. در واقع، حوزه‌های یادگیری یازده‌گانه که تفکر و حکمت، کار و فناوری، و آداب و مهارت‌های زندگی از موارد جدید آن است و همین‌طور صلاحیت‌های مشترک را، مطابق با اصول تعیین شده در برنامه درسی ملی، باید به طور کارآمد و مؤثر سازمان‌دهی کرد و مطمئن شد که دانش‌آموزان با اتکا به آموخته‌هایشان در مدرسه و محیط‌های متنوع یادگیری، قادر خواهند بود در مسائل و موقعیت‌های واقعی زندگی فردی و اجتماعی حال و آینده، موفق باشند.

عنصر سوم روش است. محتوا، هر قدر متناسب، متوازن و جامع انتخاب و سازمان‌دهی شود، بدون اعمال شیوه‌های مناسب و متنوع یاددهی و یادگیری، در وجود دانش‌آموزان درونی و به عمل تبدیل نمی‌شود. این در حالی است که از طریق تسهیل شرایط طبیعی رشد و مطابق فطرت انسان، ویژگی‌های اندیشه‌ورزی،

مؤمن بودن، عالم، عامل و متخلق به اخلاق الهی بودن در دانش‌آموزان رشد می‌کند. به طوری که هر متربی متناسب با موقعیت خود می‌تواند نسبت به خویشتن، خداوند متعال، خلق و خلقت به درک مطلوب برسد و به مسئولیت‌های خود، به نحو احسن، عمل کند.

عنصر چهارم ارزشیابی است. بی‌اطلاعی برنامه‌ریز، معلم و یادگیرنده از وضع و نتیجه یادگیری و میزان رشد استعدادها، از جمله کاستی‌ها و آسیب‌های هر نظام برنامه‌ریزی درسی است. در حالی که اطلاع از میزان محقق شدن یا

می‌شوند و در کیفیت آن‌ها تأثیر دارند: مبانی فلسفی و علمی (هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی که به عنوان عرصه‌های اصلی نگاه فلسفی، و روان‌شناختی و جامعه‌شناختی عرصه‌های علمی تلقی می‌شود)؛ اصول عام حاکم بر برنامه‌های درسی و تربیتی (دلالت‌های مبانی و معیارهای اساسی ناظر به اجرای تمامی عناصر برنامه درسی ملی)؛ رویکرد (برگرفته از مبانی و جهت‌گیری کلی برنامه درسی ملی که همان شکوفایی گرایش‌های الهی در انسان و به بیان دیگر فطرت‌گرایی



نمودار جایگاه برنامه درسی ملی در اسناد تحول بنیادین آموزش و پرورش

نشدن هدف‌های یادگیری و رشد، مسائل و مشکلات فرایند یادگیری و همچنین قوت‌ها و جنبه‌های مثبت این فرایند، از لوازم اصلی رهبری یاددهی و یادگیری است که از طریق ارزشیابی به دست می‌آید. در صورت بی‌توجهی به ارزشیابی، برنامه‌های درسی پیشرفت نخواهند کرد. اگر برای برنامه درسی حیات و مرگی تصور کنیم، این دو به انجام دادن و یا انجام ندادن ارزشیابی بستگی دارند. اگر به موقع از مسائل و مشکلات یادگیری مطلع نشویم، به تدریج موانع بزرگ‌تر می‌شوند و برنامه را از موجودیت معمولی و اثرگذار خود خارج می‌سازند؛ این حالت همان مرگ برنامه درسی است.

برنامه درسی ملی عناصر و اجزای دیگری هم دارد که با توجه به عناصر اصلی تبیین

توحیدی است)؛ ساختار و زمان (که به عنوان ظرف و وسیله برای تحقق اهداف برنامه تلقی می‌شود) و در آخر، اصول حاکم بر اجرا، فرایند تولید برنامه‌ها و مواد و رسانه‌های درسی و تربیتی، به طوری که عینی‌ترین محصول آن کتاب درسی است و همچنین ارزشیابی از برنامه. عناصر اصلی و فرعی پیوند بسیار قوی و معناداری با یکدیگر دارند و مجموعاً استحکام و انسجام برنامه درسی را در چراغ‌چوبی ملی، برای حفظ استانداردها و اطمینان از اینکه همه دانش‌آموزان به سطح مطلوبی از اهداف دست می‌یابند، تحقق می‌بخشند.

پی‌نوشت

۱. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (آذر ماه ۱۳۹۰). شورای عالی انقلاب فرهنگی. راهبردهای کلان (بند ۳ از فصل ۵).